مورخ ٢١ اکتوبر ١٩١١ در اجتماع دويست نفر از احباب وسایرین، در منزل مسيو اسکات در پاريس: دربارهٔ لزوم تمسک به دین حقیقی برای ایجاد اتحاد

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## مورخ ٢١ اکتوبر ١٩١١ در اجتماع دويست نفر از احباب وسایرین، در منزل مسيو اسکات در پاريس: دربارهٔ لزوم تمسک به دین حقیقی برای ایجاد اتحاد [[1]](#footnote-1)

#### (خطابات جلد اول، ص. ۶۴ـ۶۹)

هُوالله

در جميع کتب الهيّه از جميع ملل روزی موعود است که آن روز جميع بشر در امن و امان راحت خواهند بود و عالم انسانی اتحاد و اتفاق حاصل خواهد نمود، نزاع و جدال نخواهد ماند، جنگ و حرب نخواهد بود، جميع ملل با هم ارتباط خواهند يافت و وحدت عالم انسانی جلوه خواهد کرد. حال ملاحظه ميکنيم که آن روز صبحش دميده است، پرتو بارقه اش در آفاق منتشر گشته در عالم بشر يک هيجان عظيم حاصل شده.

جميع ملل عالم شهادت ميدهند که تا وحدت عالم انسانی حاصل نگردد، از برای بشر راحت و سعادت حاصل نخواهد شد. محبت است که سبب حيات عالم انسانيست، اتحاد است که اسباب سعادت بشر است، لکن هر چيزی منوط باسبابست تا اسبابش مهيا نشود حاصل نمی شود. مثلا اين چراغ را لابد لازم که بلوری مهيا، روغنی مهيا، فتيله ئی مهيا شود تا روشن گردد. ما ميخواهيم در ميان بشر محبت حاصل شود محبت را روابطی لازمست. يک وقتی است روابط، روابط عائله است. يکوقتی است که اسباب محبت روابط وطن است. يکوقتی است اسباب محبت وحدت لسانست. يکوقتی است روابط محبت روابط جنسی است. يک وقتی است که روابط محبت، وحدت منافع است. يکوقتی است که اسباب محبت تعليم و تعلم است. يکوقتی است که سبب محبت وحدت سياسی است. اين اسباب جميعاً خصوصی است محبت عمومی حاصل نخواهد شد، به جهت اينکه اين سبب محبت است ميانه اهل يکوطن اما اهل اوطان ديگر محرومند. روابط جنسی سبب محبت ميانه آن جنس است. اين روابط سبب محبت عمومی نميشود که روابط جنسی و تجارتی و سياسی و وطنی اسباب ارتباط عمومی شود. زيرا روابط جسمانی است مادی است و روابط ماديه محدود است. زيرا مادّه چون محدود است، روابطش نيز محدود است.

پس معلوم شد اعظم روابط و وسيله بجهت اتحاد بين بشر، قوه روحانيه است، چونکه محدود بحدودی نيست. دين است که سبب اتحاد من علی الارض ميشود، توجه بخداست که سبب اتحاد عالم می شود دخول در ملکوت است که سبب اتحاد اهل ارض ميشود و چون اتحاد حاصل شد محبت و الفت حاصل می شود. لکن مقصد از دين نه اين تقاليدی است که در دست ناس است. اينها سبب عداوتست سبب نفرتست سبب جنگ و جدالست سبب خونريزيست. ملاحظه کنيد در تاريخ دقت نمائيد، که اين تقاليدی که در دست ملل عالمست سبب جنگ و حرب و جدال عالمست. مقصدم از دين انوار شمس حقيقت است. و اساس اديان الهی يکيست يک حقيقت است، يک روحست يک نور است تعدّد ندارد.

از جمله اساس دين الهی تحرّی حقيقت است که جميع بشر تحرّی حقيقت کنند. چون حقيقت واحد است، جميع فرق عالم را جمع ميکند. حقيقت علمست اساس اديان الهی علم است، علم سبب اتحاد قلوب ميشود. حقيقت الفت بين بشر است. حقيقت ترک تعصب است، حقيقت اين است که جميع بشر را بندگان الهی ببينيد، حقيقت اين است که جميع ملل عالم را بنده يک خداوند بدانيد. حقيقت اين است که جميع اشيا را زنده از يک فيض ببينيد. نهايت اينست در عالم وجود مراتب است مرتبه نقص است و مرتبه کمال. ما بايد شب و روز بکوشيم تا نقص مبدل بکمال شود. مثلا اطفال در عالم طفوليت نمی دانند، ولی مستحق نکوهش نيستند. بايد اين اطفال را تربيت کرد تا برتبه بلوغ برسند. اين نهالها را بايد نشو و نما داد تا ثمر بدهد. اين زمين را بايد پاک کرد تا تخم برکت ببار آرد. اين مريض را بايد معالجه کرد تا شفا يابد. هيچ نفسی را نبايد مبغوض داشت، جميع بشر را بايد محبت کرد. اگر اين اساس متين شود، محبت حاصل ميشود.

و همچنين بايد هميشه مناجات کنيم که خداوند در قلوب محبت ايجاد نمايد. تضرع و زاری کنيم تا شمس حقيقت بر کل بتابد تا جميع در بحر رحمت پروردگار غرق شويم. تضرع و زاری کنيم تا جميع ناقصها کامل شود. تضرع و زاری کنيم تا جميع اطفال ببلوغ برسد. آفتاب محبت بر شرق و غرب بتابد و از نور محبت اللّه جميع قلوب روشن شود، گوشها شنوا گردد قلوب منجذب بنفحات قدس شود ارواح مستبشر ببشارات اللّه گردد. لهذا من دعا ميکنم:

الهی الهی لک الحمد بما اشرقت الانوار من ملکوت الاسرار و استضاء جميع الارض بشعاعها و انتعشت النفوس و انشرحت القلوب بسطوعها. لک الشکريا الهی بما هبت نسائم العناية من مطلع الرحمة و الجود و خرت النفوس سجوداً للربّ المعبود و انشرحت الصدور بآيات تقديسک فی کل الجهات و نادت الألسن بملکوتک و ظهور آيات بينات. ربّنا انّنا نتضرع الی مرکز الجلال و نتذلل لعزتک بين الانام و ندعوک بالقلوب و الالسن و الارواح و نستفيض من سحاب رحمتک فی کل الايام. ربّ اجبر هذا الکسر. و اکمل هذا النقص و ارحم علی عبادک و ايدهم الی صراطک. ربّ قد تشعشع انوار الهدی بين الوری و لکن النفوس غفلوا عن ذکرک و ابتلوا بالصمم و العمی. ربّ انر ابصارهم بمشاهدة آياتک الکبری و اسمعهم ندائک البديع من ملکوتک الابهی. انک انت الکريم. انک انت العظيم. انک انت الرحمن الرحيم.



1. نطق مبارک عصر دوشنبه ٢٩ شوال سنه ١٣٢٩ در منزل مسيو اسکات در پاريس

   با حضور دويست نفر از احباب و غيره \_ ٢١ اکتوبر سنه ١٩١١ [↑](#footnote-ref-1)